

Exploratory Exploration of Space Quality Measurement in Contemporary Architecture Schools (Case Study: Yazd School of Architecture)

Akramolsadat Kheyrossadat¹

1. Phd, Architecture Department, Yazd Branch, Islamic Azad University, Iran

Article Info

Received: 28 April. 2020;
Accepted: 30 June. 2020;
Published Online 2020/07/1

Use your device to scan
and read the article online



Corresponding Author

Akramolsadat Kheyrossadat
Phd, Architecture Department,
Yazd Branch, Islamic Azad
University, Iran

Email:

ak.kheyrossadat@khuif.ac.ir

ABSTRACT

The potentiality and hidden potential in the form and architecture of architecture are the main concern of this research. Observations from the terrestrial architecture reveal the truth that the quality of space in every place, on the one hand, and the intrinsic sense of the audience, and on the other hand, is a long and deep link between the function and the role of the place in responding to its need. Some of the issues that can be addressed and explained in this research concern architecture schools influenced by traditional textures and Iranian architectural patterns, although in the complex path of the architecture training process in interconnected with the existing context and the presentation of the implications inherent in it strong and tangible.

In this article, we intend to explain the introduction of these qualitative factors from a new angle. Therefore, the "grounded theory", which is one of the emerging and efficient methods in qualitative research processes, has been used. To prove the effectiveness of this method, the Yazd school of architecture was selected as a case study to explain the step-by-step explanation of the implementation stages of this research.

Participants in this research were composed of 20 graduated graduates from the Yazd school of architecture who were selected using a snowball method. Data analysis was performed based on three methods of encoding: open coding, axial coding and selective coding. Initially, for open coding, the data were analyzed using document analysis method, and then in two stages, the axial coding and selective coding, the classification of concepts, and the discovery of relations between the components and the emergence of dimensions finally, based on Strauss and Corbin's views, qualitative research validation methods were applied in this study. The results of this research in the final stage were 28 open source, 16 pivot codes and 6 code selections and the paradigmatic pattern was organized as follows: 1. casual variables. 2. Context variables. 3. Intervening variables 4. Core category or phenomenon 5. Strategies. 6. consequences

Identification of the effective parameters on the quality of education spaces as the main phenomenon and factors such as the nature of memory and the ability to place in the revival of memories was considered as its subcategories. One of the most important interfering factors can be the spatial desirability of space, the overcoming and the superiority of qualitative features on the quantitative features of the place, the inclusiveness of superficial architectural styles in the present era. The interrelationships within the set, the system and the continuous pattern, personal mentality and imagination, and environmental relationship were considered as a group of underlying or implied variables in the dominant context in this research. The most important causal variables identified from participants' viewpoints were factors such as dependability, specific architecture, hangover and mental-functional alignment.

finally, it can be admitted that citing the results of this study makes it clear that by aligning the goals of academic education with the implementation of the architecture of the one-off and recognizing the value-based value-of-evaluative to the location, on the other hand, it is possible to incorporate the true capabilities of the discovered and hidden educational apparatus into the direction of the education of the territorial architect was the most important consequence of this study.

Keywords: Architecture Education, Local Socialization, Spatial Quality, Territorial Architecture, Grounded Theory

Copyright © 2020. This open-access journal is published under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the Attribution-NonCommercial terms.

How to Cite This Article:

Kheyrossadat A. Exploratory Exploration of Space Quality Measurement in Contemporary Architecture Schools (Case Study: Yazd School of Architecture). *Conserv Histo Area*. 2020; 1 (1):91-114



مقاله پژوهشی

تبیین اکتشافی از سنجش میزان کیفیت فضایی در مدارس معماری زمینه‌محور

(نمونه موردی: دانشکده معماری یزد)

اکرم السادات خیرالسادات*

۱. دکتری معماری، گروه معماری، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران

اطلاعات مقاله	خلاصه
دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۰۹ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۱۰ انتشار آنلاین: ۱۳۹۹/۰۴/۱۱	مشاهدات حاصل از معماری سرزمینی از این حقیقت پرده برمی‌دارد که کیفیت فضایی در هر مکان از یکسو با حس ذاتی مخاطب خود و از سوی دیگر با عملکرد و نقش مکان در پاسخگویی به نیاز وی پیوندی دیرینه و عمیق دارد. از مواردی که می‌توان در آن این دغدغه پژوهشی را ارزیابی و تبیین کرد، مدارس معماری متأثر از بافت‌های سنتی و الگوهای معماری ایرانی است. البته طی مسیر پیچیده فرایند آموزش معماری در ارتباطات متقابل با بستر موجود و ارائه مفاهیم نهفته در آن به‌شدت عجین و ملموس است. در این مقاله از «نظریه داده‌بنیاد»، که یکی از روش‌های نوظهور و کارساز در فرایندهای پژوهش‌های کیفی است، استفاده شده است. دانشکده معماری یزد برای مطالعه موردی انتخاب شد تا شرح گام‌به‌گام مراحل اجرای این پژوهش را تبیین کند. شرکت‌کنندگان در این پژوهش ۲۰ نفر از معماران فارغ‌التحصیل دانشکده معماری یزد بودند که با استناد به روش «گلوله برفی» و نمونه‌گیری نظری انتخاب شدند. تجزیه و تحلیل اطلاعات بر اساس سه روش کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی (گزینشی) انجام شد. یافته‌های این پژوهش در مرحله نهایی در الگوی پارادایمی به این شرح سازمان‌دهی شد: ۱. متغیرهای علی؛ ۲. متغیرهای زمینه‌ای؛ ۳. متغیرهای مداخله‌گر؛ ۴. پدیده یا مقوله محوری؛ ۵. راهبردها و پیامدها و نتایج. شناسایی پارامترهای مؤثر بر کیفیت بخشی فضاهای آموزشی به‌عنوان پدیده محوری و عواملی چون ماهیت خاطره و قابلیت مکان در باززنده‌سازی خاطرات به‌عنوان زیرمجموعه‌های آن در نظر گرفته شد. عواملی چون تعلق‌پذیری، معماری خاص، پاتوق بودن و همسویی ذهنی - عملکردی مهم‌ترین متغیرهای علی شناسایی شده در این پژوهش بود. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که با نزدیک کردن اهداف آموزش آکادمیک به معماری اجرایی و بازشناسی ارزش‌های هویت‌ساز در نگاه ارزیابانه به مکان می‌توان تلفیقی درست از قابلیت‌های پیدا و پنهان کالبد آموزشی در راستای تربیت معمار سرزمینی به دست آورد.
نویسنده مسئول: اکرم السادات خیرالسادات دکتری معماری، گروه معماری، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران پست الکترونیک: ak.kheyrossadat@khuisf.ac.ir	کلیدواژه‌ها: آموزش معماری، اجتماع‌پذیری مکان، کیفیت فضایی، معماری سرزمینی، نظریه داده‌بنیاد.
حق کپی رایت انتشار: این نشریه ی دارای دسترسی باز، تحت قوانین گواهی‌نامه بین‌المللی Creative Commons Attribution 4.0 International License منتشر می‌شود که اجازه اشتراک (تکتیر و باز آرای محتوا به هر شکل) و انطباق (باز ترکیب، تغییر شکل و بازسازی بر اساس محتوا) را می‌دهد.	

مقدمه

چرا به این موضوع مهم و کاربردی در معماری سرزمینی کشورمان علی‌رغم پتانسیل‌ها و قابلیت‌های بالای اقلیمی - جغرافیایی و حتی فرهنگی بی‌توجهی شده است؟ متأسفانه انتهای این داستان غفلت در عصر کنونی چیزی جز تخریب یا ایجاد دگرگونی‌های اساسی در این مأم‌ن‌های خاطره‌انگیز و نوستالژیک نیست. (Caimi (۲۰۱۴) در تشریح روند کیفیت‌زدایی از مکان‌های آشنا طی گذر زمان به مواردی چون: تحولات کالبدی - عملکردی - معنایی، مهاجرت کاربر و

در عصر کنونی زمزمه‌هایی در رابطه با اهمیت توجه به مباحث کیفی در فضاهای آموزشی و نقش آن در شکل‌گیری ارتباطات سالم در مکان از یکسو و کسب بهره‌مندی مادی و معنوی از آن، حس تعلق خاطر و وابستگی مکانی از سوی دیگر شنیده می‌شود. مشاهده نمونه‌های موفق جهانی در حوزه باززنده‌سازی مکان‌های خاطره‌انگیز، پیدایش هویت جمعی، برقراری انسجام اجتماعی و نیز فرایند تصویرسازی نوستالژیک از یک مکان تلنگری برای واکاوی معنای این واقعیت است که

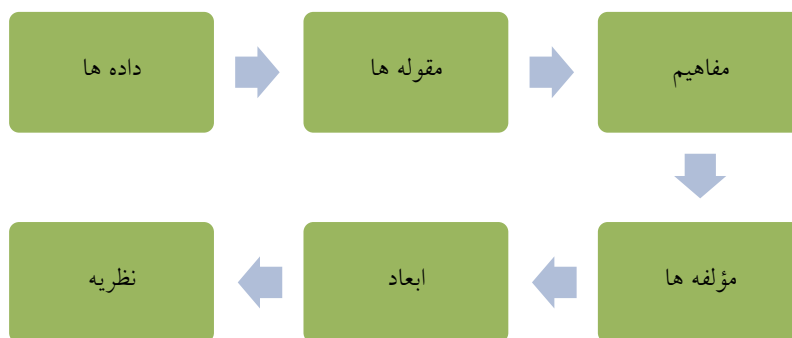
معماری دغدغه اصلی این پژوهش است؛ چراکه این پدیده با حس ارتباط مخاطب از یک سو و زمینه پیرامونی از سوی دیگر پیوند می‌خورد. از مواردی که می‌توان در آن پژوهش را ارزیابی کرد، مدارس آموزشی است؛ چراکه طی مسیر پیچیده این فرایند در ارتباطات متقابل با بستر موجود و ارائه مفاهیم نهفته در آن به‌شدت عجین است. بر این اساس این پرسش‌ها مطرح می‌شود:

۱. کدام شاخصه‌های فرمی از قابلیت زمینه می‌تواند در کیفیت بخشی فضاهای آموزشی نقش داشته باشد؟
۲. پارامترهای کالبدی (شکلی) مطرح در زمینه و بستر آموزش چگونه می‌تواند در برقراری ارتباط حسی ماندگار، قوی و مستحکم با مخاطب انسانی خود تأثیرگذار باشد؟

روش پژوهش

بین انواع متفاوت روش پژوهش کیفی «نظریه داده‌بنیاد» برای این پژوهش انتخاب شده است. یکی از روش‌هایی که می‌تواند به‌مثابه پلی بین دو پارادایم گذشته و آینده نقش مؤثری داشته باشد، «نظریه‌پردازی داده‌بنیاد» است. روشی که با استفاده از استقرا بر اساس داده‌های واقعی و کیفی و با شکستن قالب‌های محدود و محصور گذشته که غالباً به آزمون نظریه‌های مستفاد از قیاس اکتفا می‌کرد، به خلق و ایجاد نظریه می‌پردازد (Mehrabi et al. 2011). Creswell نظریه حاصل از نظریه‌پردازی داده‌بنیاد را نظریه‌ای فرایندی می‌داند. در این‌جا پژوهشگر فهمی از یک فرایند را خلق می‌کند که به یک موضوع خرد و البته واقعی مربوط است. Strauss و Corbin و Creswell فرایند را در نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، زنجیره‌ای از کنش‌ها و برهم‌کنش‌های بین افراد و وقایع مربوط به یک موضوع ارزیابی می‌کنند. درواقع کشف یا تدوین نظریه بر مبنای واقعیات موجود و از طریق جمع‌آوری نظام‌مند داده‌ها صورت می‌گیرد (Selden, 2005). داده‌های جمع‌آوری‌شده در سیر تکاملی خود تا رسیدن به نظریه این مراحل را طی می‌کنند: «مقوله‌سازی»، «مفهوم‌سازی»، «مؤلفه‌سازی»، «بعدسازی» و «تدوین نظریه» (Ferasatkah, 2016) (شکل ۱).

جابه‌جایی اجتماعی کاربر بر اساس میزان تملک و منزلت اجتماعی، فاصله مکانی از سایر محل‌های فعالیتی مرتبط با کاربر، فاصله‌گزینی از مناطق آلوده (صوتی - بصری - رفتاری)، امکان فعالیت عملکردی در مناطق با شرایط مساعدتر موقعیت مکانی اشاره می‌کند. از دید وی این عوامل که با تحولات کالبدی و غیرکالبدی در مکان همراه است با تغییر ارتفاع ابنیه، ایجاد بلندمرتبه‌سازی بدون توجه به ساختار اصیل محتوا و زمینه معماری، از بین رفتن خط آسمان اصلی بستر طرح، کم‌رنگ شدن جلوه‌های بصری عناصر شاخص در زمینه مشخص می‌شود. (Charitonidou, 2018) نیز در پژوهش خود چرایی بروز پیامدهای این موضوع را در نداشتن صورت آشنا، لاقیدی یعنی بی‌تفاوتی به مکان، دور شدن از دیار آشنا و از همه مهم‌تر دور شدن از قصه مکان دانسته و بر این اساس دستاوردهایی چون: از بین رفتن حس تعلق مکانی، کم‌رنگ شدن خاطرات و خاطره‌زدایی از مکان را نتیجه می‌گیرد. البته ناگفته نماند که عوامل کالبدی چون سادگی، تناسب بصری و رمزگونی در خاطره‌انگیزی و دل‌بستگی به مکان اهمیت زیادی دارد و می‌تواند تأثیر زیادی در افزایش امکان شکل‌گیری فعالیت‌های متنوع و نیز بهبود تصویر محیط در ذهن کاربران فضا داشته باشد (Habibi, 1999). خود را متعلق به یک مکان دانستن همواره مهم‌ترین عامل برای دوام پایداری یک فضا، چه به‌لحاظ کالبدی و فعالیتی و چه از نظر معنایی و خاطره‌ای بوده است. مکان بستری است که حیات بشری در آن جریان می‌یابد، رویدادها و حوادث در آن رخ می‌دهند و خاطره را شکل می‌دهد. بر اساس آرای والتر بنیامین به نقل از Tajbakhsh همواره در رجوع به خاطرات نقش مکان‌ها قوی‌تر از نقش مردم است (Tajbakhsh, 2004). به نظر می‌رسد همان‌طور که خاطرات شیرین نسل پیشین از دورهم جمع شدن و باهم‌بودن اعضای خانواده نشئت می‌گیرد، نقش و تأثیر مهم کالبد معماری در راستای تقویت حس مکان و خاطره‌سازی از فضا نیز قابل تأمل است. (Pakzad & Bozorg, 2014) هدف این پژوهش تبیین عوامل زمینه‌ای و محیطی کیفی‌بخش در فضاهای جمعی در قالب یک الگوی پارادایمی است. توانمندی و پتانسیل نهفته و آشکار در کالبد



شکل ۱. مدل فرایند نظریه داده‌بنیاد (Corbin & Strauss 1998; Mansourian, 2007).

مبانی و چارچوب نظری پژوهش

آغاز به کار «معماری زمینه‌محور»^۱ در عرصه

فضایی دانشگاهی

در پژوهش خود از «ارزیابی کیفی مجموعه‌های دانشگاهی پردیس» بیان می‌کند: سابقه مکان‌یابی سایت‌های دانشگاهی متکی بر بستر و محیط پیرامون را می‌توان در دوران پس از جنگ جهانی دوم و خصوصاً در امریکا ردیابی کرد. در ابتدا تأثیر این موضوع در ساخت سایت‌های وسیع دانشگاهی و ساختمان‌های جدا از هم در درون این سایت دیده می‌شد، اما به تدریج در برنامه‌ریزی‌های بلندمدت آموزشی توجه به توسعه‌پذیری سایت هدف اصلی قرار گرفت (GHaravi, 2008). نظریه «نظریه رشد ارگانیک و هدایت‌شده»^۲ برای سایت‌های دانشگاهی برای اولین بار توسط Josff Hudnut در اواخر دهه ۱۹۵۰ مطرح شد. درحالی‌که وی اصول مهم این نظریه را در مباحثی همچون: انعطاف‌پذیری، آزادی و استقلال بناها معرفی کرده بود (Turner & Velk, 2005)، در جامعه دانشگاهی زمزمه‌هایی در رابطه با کمبود فضاهای آموزشی شنیده می‌شد و از این رو گرایش به ساخت‌وساز در زمین‌های سبز و کم‌تراکم اطراف شهر، که بعضاً متأثر از ایده «باغ‌شهر هاوارد»^۳ بود، دیده می‌شد. Richard Dober نیز در کتاب *طراحی فضاهای دانشگاهی* بر مفهوم انعطاف‌پذیری بر این وادی تأکید کرده بود، اما جفرسون معتقد بود که هدف اصلی از ایجاد چنین بستری ایجاد یک محیط خانوادگی است (Mohit & Ibrahim & Rashid 2010). Thomas Church با مطرح کردن آموزه «فضای محیط اطراف مهم‌تر از ساختمان‌هاست و معمار باید محیط را کامل‌تر کند» از معمارانی بود که مبلغ این ایده در طراحی فضاهای دانشگاهی شد. Moore & Turnbull نیز با این

اعتقاد که دانشگاه یک محله است، مفهوم طرح درهم‌فشرده را مبنای کار خود قرار دادند (Fisher & Frey 2013). از سوی دیگر در دهه ۱۹۷۰ میلادی با ورود اتومبیل و نیاز به مسیرهای دسترسی سواره شباهت سایت‌های دانشگاهی و شهر کاملاً مشهود بود (GHaravi, 2008). این اتفاق باعث شد که دانشگاه علاوه بر ملاحظات عملکردی، برای پویایی و سرزندگی خود به «مراودات اجتماعی» که ریشه در سازوکار دموکراسی داشت، نیازمند شود؛ در نتیجه توسعه این مراودات دانشجو برای حضور فعال و پر نشاط در جامعه آموزش می‌دید. توجه به موضوعات این‌چنینی باعث شد تا تلنگر لازم برای شکل‌گیری اولین ایده‌های دانشگاه همچون یک شهر زده شود و نظریه «دهکده آموزشی» (Thomas Jefferson بار دیگر حیات یابد Bulooki & Okhovat 2015).

الکساندر در بیانیه خود اظهار داشت که بخش عمده طراحی «فرم» است؛ پس مشکل اصلی طراحی در چگونگی هماهنگ ساختن فرم با «زمینه» قابل ردیابی است. وی با ارائه یک مثال عملی با عنوان «تجربه طراحی پلان دانشگاه اورینگان» این نظم را دارای نهادی ارگانیک معرفی کرد و آن را رویدادی طبیعی خواند که وقوعش به برقراری توازن کامل بین نیازهای اجزای منفرد و نیازهای کل مشروط شده است (Mohajeri & Qomi, 2008). گذشته از این موضوع وی در این تجربه عملی خود بر این ایده که می‌توان از طریق ساخت دانشگاه بر روند طراحی به‌عنوان بخش طبیعی زندگی جوانان نگاهی ویژه داشت پافشاری و حتی در گامی فراتر بر گسترش شبکه یادگیری برای همه افراد جامعه تأکید کرد. در نهایت وی با یک جمع‌بندی مدون بر اصل «رشد تدریجی» به‌عنوان یکی از اصول بنیادین در طراحی دانشگاه که آن را مجموعه‌ای اندام‌واره تلقی می‌کند، تأکید کرد (Bulooki & Okhovat, 2015) (شکل ۲ و ۳).

³ Harvard City Gardan

¹ Cotextual Architecture

² Organic and Guided Growth Theory



شکل ۲. دانشگاه اورینگون www.mehrnews.ir



شکل ۳. دانشگاه اورینگون www.varchgroup.com

هرچند این دانشگاه که در ارتباط با خیابان و «دانشگاه هاروارد» مکان‌یابی شده و از الگویی مرتبط با گذرهای عابرپیاده پیروی کرده است، اما در معرفی نمونه مشهود و شاخص در این زمینه باید به دانشگاه هاروارد^۴ اشاره کرد (Turner & Velk, 2005). در طراحی این دانشگاه که قدیمی‌ترین دانشگاه آمریکا در شهر کمبریج و ایالت ماساچوست در ایالات متحد آمریکا است، حیاط به‌منابه یک نهاد مجزا در بین ساختمان‌های دانشگاه سازمان‌دهی شده است. این در حالی است که بسیاری از فضاهای دیگر این دانشگاه مثل کلاس‌ها،

در کالج‌های قدیمی‌تر سوربون پاریس که ترکیبی متشکل از نواحی قدیمی در کنار هم گرد آمده‌اند، دانشگاه‌ها به جای کالبد ساختمانی چهارگوش و دروازه‌های ورودی از ساختمان‌های شهری تشکیل شده‌اند و در کنارهم خیابان‌های باریکی را ساخته‌اند. این خیابان‌های شهری زمینه‌ای برای «رویارویی اجتماعی»، «اعتراضات سیاسی» و «مکانی برای لذت بردن» بود (Bulooki & Okhovat, 2015). دانشگاه لندن از دانشگاه‌هایی است که پیرامون یک خیابان و در ارتباط با یک میدان شهری ساخته شده است؛

⁴ Harvard University

طبیعی متمایز از جمله رودخانه چارلز که اتفاقاً از میان یکی از دانشکده‌های آن هم می‌گذرد، جلوه خاص و منحصر به فردی پیدا کرده است (شکل ۵ و ۴).

کالج‌های سخنرانی، آزمایشگاه و آمفی‌تئاتر در طول خیابان‌های شهر پراکنده‌اند. اگرچه فضای این مجموعه دانشگاهی مملو از ساختمان‌های قدیمی بسیار زیبا است، اما باکمک جاذبه‌های



شکل ۴. دانشگاه هاروارد www.mojnews.com



شکل ۵. دانشگاه هاروارد www.iribnews.com

فعالیت‌های گلخانه‌ای تبدیل شده است. علاوه بر این ساختمان دانشگاه توسط فضای سبز احاطه شده و هریک از ساختمان‌های دانشکده نیز به طور اختصاصی به باغ‌های بسیار زیبا چشم‌انداز دارد. ساختمان روتاندا^۷ که در مرکز دانشگاه قرار گرفته است، با الهام از معماری معبد پارتنون روم ایتالیا ساخته شده و بنا به گفته Jefferson سمبل «قدرت طبیعت» و «تدبیر عقل» است

Thomas Jefferson مهم‌ترین و موفق‌ترین دستاورد خود را بنا نهادن دانشگاه ویرجینیا^۵ در سال ۱۸۱۹ میلادی می‌داند. این دانشگاه که امروزه یونسکو آن را میراثی جهانی می‌داند مملو از ساختمان‌هایی با «معماری جفرسونی»^۶ است (Turner & Velk, 2005)؛ یکی از مهم‌ترین مشخصه‌های این نوع معماری چمنزاری است که هم‌اکنون به محلی برای

⁷ La Rotonda

⁵ University of Virginia
⁶ Jeffersonian Architecture

شود (Ansari & Mahdavejad & Abedi, 2012). پس از طی چندین سال در ایالت تنسی^۹ امریکا ساختمان دانشگاه سوانی^{۱۰} با الهام از تفکرات شاخص و ایده‌های مطرح در دانشگاه ویرجینیا ساخته شد (Mohit & Ibrahim & Rashid, 2010). در این مجموعه دانشگاهی نیز علاوه بر توجه به معماری بستر پیرامون و احترام به «طبیعت» تأثیرپذیری از معماری قرون وسطی کاملاً مشهود است (شکل ۷).

(Fisher & Frey, 2013). ساختمان‌های معروف سبک معماری پالادیان^۸ نیز یکی دیگر از بناهای شاخص این دانشگاه است که در ساخت آن تأثیرپذیری از معبد رومی پانتئون به‌وضوح دیده می‌شود (شکل ۶). اگرچه بسیاری از ساختمان‌های این دانشگاه با محوریت الگوپذیری از معماری تاریخی بنا شده‌اند، اما ساختمان کوهپایه‌ای و زیبای این دانشگاه باعث شده که بنای زیبای دانشکده‌های آن با نام‌هایی نظیر «کوه» یا «دامنه» یاد



شکل ۶. دانشگاه ویرجینیا www.fa.wikipedia.org



شکل ۷. دانشگاه سوانی در ایالت تنسی امریکا www.ezapply.ir

دانشگاه در ایالت اوهایو شناخته می‌شود. در سراسر این مجموعه دانشگاهی دانشکده معماری به علت بهره‌مندی از

دانشگاه کنیون^{۱۱} در ایالت گمبیر اوهایو^{۱۲} امریکا که در اوایل سال ۱۸۲۴ میلادی بنا شد دراصل قدیمی‌ترین

¹¹ University of Canyon
¹² State of Gambier Ohio

⁸. Palladian Architecture Style
⁹ Tennessee State
¹⁰ Svani University

قابل تأمل در ترکیب معماری و بستر طراحی می‌توان به دانشگاه استنفورد^{۱۴} در ایالت کالیفرنیا اشاره کرد (Ansari & Mahdavinejad & Abedi, 2012). این دانشگاه که یکی از بزرگ‌ترین دانشگاه‌های ایالات متحد است، سرشار از چمنزارهای پراکنده، مسیرهای ماشین‌رو و باغ‌های زیبایی است که توسط Frederick Law Olmsted^{۱۵} که پیش از این پارک مرکزی نیویورک را طراحی و اجرا کرده بود، طرح‌ریزی شده است (شکل ۹).

فضای بسیار دنج و خوش‌منظره طبیعی، سبک معماری فوق‌العاده و پتانسیل استفاده از منظره‌ای چشم‌نواز شاخص و قابل تمثیل است (Mohit & Ibrahim & Rashid, 2010). وجود ساختمان‌هایی با معماری قرون وسطی از یک‌سو و وجود یک مسیر پیاده‌رو موسوم به میان‌گذر^{۱۳} از سوی دیگر که از میان جنگلی سرسبز می‌گذرد و بیننده را به سمت ساختمان اصلی دانشکده هدایت می‌کند، توجه هر رهگذری را به خود متمایل می‌کند (شکل ۸). از نمونه‌های دیگر



شکل ۸. دانشگاه کنیون در ایالت امریکا www.iribnews.com



شکل ۹. دانشگاه استنفورد در ایالت کالیفرنیا www.ezapply.ir

¹⁵ Law Olmsted Frederick

¹³ Middle path

¹⁴ Stanford University

از کالج‌ها با سبک معماری منحصربه‌فردی طراحی شده‌اند (Turner & Velk, 2005). از ویژگی‌های «معماری زمینه‌گرا» در این دانشگاه رودخانه‌ای است که از بستر مجاور آن می‌گذرد و این مجموعه را بسیار رویایی و خاص کرده است (شکل ۱۱).

دانشگاه تسینگوا^{۱۶} که در باغ سلطنتی پادشاه دینستی^{۱۷} ساخته شده هنوز هم با فضاهای سنتی چینی مثل مرداب‌های پوشیده از شکوفه‌ها و ساختمان‌های تاریخی آذین شده است (شکل ۱۰). در دانشگاه کمبریج انگلستان نیز که بهترین و بلکه زیباترین دانشگاه دنیا نام گرفته هر کدام



شکل ۱۰. دانشگاه تسینگوای چین www.ezapply.ir



شکل ۱۱. دانشگاه کمبریج انگلیس www.fa.wikipedia.org

که سبک‌های معماری منحصربه‌فردی چون «ساکسون» و «پالادیان» را دارد، از راهروهایی با طاق‌های قوسی شکل زیبا و مارپیچ ساخته شده که جلوه‌ی زیبا و گیرایی خاصی به این مجموعه داده است (Fisher & Frey, 2013) (شکل ۱۲ و ۱۳).

از دیگر نمونه‌های قابل تأمل در این زمینه می‌توان به دانشگاه آکسفورد^{۱۸} در انگلستان اشاره کرد. شهرت این دانشگاه که دومین دانشگاه با سابقه و قدیمی دنیاست، بیش از هر چیز مدیون ترکیب موفق و همه‌جانبه از «سنت» و «تاریخ» است. دانشگاه آکسفورد

¹⁸ University of Oxford

¹⁶ Tsingua University

¹⁷ Dynasty



شکل ۱۲. دانشگاه آکسفورد www.fa.wikipedia.org



شکل ۱۳. دانشگاه آکسفورد www.varchgroup.com

خود سازد. میروکیلی در پژوهش خود مدرسه هنر و معماری یزد را مورد کنکاش قرار داد و در نهایت موفق شد تا با شناخت و بررسی "الگوی محله" الگویی جدید برای سازمان-دهی "فضاهای مدرسه هنر و معماری" خلق کند و با این پیش‌فرض در جهت تحقق انگاره "طراحی مدرسه - محله هنر و معماری" گام مؤثری بردارد. البته لازم به ذکر است که در پژوهش وی تبیین کامل و راهکارهای اجرای این امر مهم نادیده انگاشته شده است.

کوششگران در مقاله‌ای با عنوان "سائق‌های آموزش معماری (بازشناخت دستاوردهای حضور در مجتمع هنر دانشگاه یزد) ضمن تعریف اصطلاح سائق‌های آموزش و

باورها، نظریات و نتایج مدون در بررسی نظری قابلیت‌ها و محدودیت‌های مکان‌یابی در مدرسه معماری یزد

از نمونه‌های قابل تأمل در این زمینه در داخل کشور می‌توان به استقرار دانشکده‌های معماری و شهرسازی در شهرهای اصفهان، یزد، تبریز و بوشهر در بافت‌های با ارزش قدیمی اشاره کرد؛ توجه به این موضوع نشان می‌دهد که با گذشت زمان دانشگاه قادر است هم‌چون گذشته موقعیت و جایگاه "فرهنگی-آموزشی" خود را در بافت شهر کسب کند و با تبدیل شدن به قلب تپنده و کانون "اجتماعی-علمی" در موقعیت خاص مکانی تحرک و پویایی پیکر شهر را میزبان

فرهنگی و سیاسی به امر آموزش جهت می‌دهد، سائق خاص است. وی مکان سائق آموزش معماری را به‌مثابه متنی قوی می‌داند که اذهان را وادار به تأویل و تفسیر می‌کند. از طرفی هرچند تأویل مدام مبتنی بر متن قوی است، اما به‌درستی انعکاس مفاهیم متن و مخاطب است؛ لذا این متن قوی همان مکان است که خواننده متن را بر سر ذوق می‌آورد. وی در یک جمع‌بندی مکان را واجد شرایطی چون شعرگونگی، شکل‌گرفته مبتنی بر نظام علی، حاصل آشکارگی استعداد محیط توسط سازنده‌اش، فقدان وابستگی مکان به بیانیه سازنده خود و تئوری‌های رسمی مبتنی بر عقل تاریخی و جمعی خلق‌شده در نسلی متفاوت از نسل آموزش‌پذیر و آموزش‌دهنده می‌داند. Koosheshgaran مدرسه معماری یزد را مثال خوبی از این مبحث می‌داند. این مدرسه که مهم‌ترین وجه تمایز خود با سایر مدارس کشور را در ویژگی‌های خاص مکانی می‌یابد، از مصادیق آشکار متن قوی است که علاوه بر معمار پیروان وسیعی از علوم و فنون، روان‌شناس محیط تا مهندس عمران و تأسیسات را در بر می‌گیرد. این مخاطبان هر یک با یکی از لایه‌های معنایی مکان مذکور به تناسب حرفه خود ارتباط یافته و حصه خود را می‌برند. وی در مرحله نخست شعرگونگی این مکان را در بالاترین حد از تأثیرات نوستالژیکی قابل تصور می‌داند که با جذب هر مخاطب عارف و عامی بر نظام علی محکم و پیچیده‌ای استوار است. در مرحله ثانی این مکان را نه محل ظهور معمار که مقام کشف استعداد محیط می‌نامد. زمانی که این شکل از پژوهش در محیط به مخاطب عرضه می‌شود، محیط می‌تواند به‌خوبی در برابر شیوه‌های اثبات‌گرایانه معماری عصر کنونی قد علم کند. پس معمار به جای خلق مکان عملکردی که تقدیر معماری امروز است، به خلق امکان دست می‌یابد. وی این بستر قوی معماری را نه حاصل و ثمره علم و عقل یک معمار که حاصل علم و عقل جمعی و تاریخی مردمانی می‌داند که در تعامل دوسویه با محیط زیست خود آن‌را زنده، بالغ و مقدس می‌دانستند (Koosheshgaran, 2003). در این حالت مکان به مرجعی قوی در مقابل کتابخانه‌های متعارف مدارس معماری تبدیل خواهد شد؛ کتابی عظیم که به دلیل داشتن ضمیمه‌های مختلف ارتباط با مخاطب در مقابل کتاب چاپی به شکل بامعناتری مخاطب خود را اغنا می‌کند.

تأکید بر ضرورت آن در امر آموزش معماری، آن‌را به دو دسته درونی و بیرونی تقسیم می‌کند؛ وی در این راستا بر محیط و بستر آموزش یا در اصطلاح روان‌شناسی آموزش «قرارگاه آموزشی» به‌عنوان مهم‌ترین سائق‌های بیرونی تأکید می‌کند. از سوی دیگر وی در یک دسته‌بندی جداگانه سائق‌های آموزشی را به دو دسته سائق‌های عام و سائق‌های خاص تقسیم می‌کند (Koosheshgaran, 2003). سائق‌های عام آن چیزی است که معمولاً از بالادست ابلاغ می‌شود و از این روست که با زمان‌پذیری و مکان‌پذیری ناسازگار است و لذا امکان تعمیم به همه محیط‌ها را دارد. پس سائق‌های عام اجازه می‌دهد که هر تفکری مربوط به هر جایی امکان پرورش داشته باشد تا ماهیت سرفصل‌های آموزشی به این طریق شکل گیرد، اما عموماً سائق‌های خاص به‌شکلی س بارزش قدیمی اشاره کرد. توجه به این موضوع نشان می‌دهد که با گذشت زمان دانشگاه می‌تواند همچون گذشته موقعیت و جایگاه «فرهنگی - آموزشی» خود را در بافت شهر کسب و با تبدیل‌شدن به قلب تپنده و کانون «اجتماعی - علمی» در موقعیت خاص مکانی تحرک و پویایی پیکر شهر را میزبان خود کند. Mirvakili و Mohammadi در پژوهش خود مدرسه هنر و معماری یزد را کنکاش کردند و در نهایت موفق شدند تا با شناخت و بررسی «الگوی محله» الگویی جدید برای سازمان‌دهی «فضاهای مدرسه هنر و معماری» خلق کنند و با این پیش‌فرض برای تحقق انگاره «طراحی مدرسه - محله هنر و معماری» گام مؤثری بردارند (Noghsan Mohammadi & Mirvakili, 2012). البته در پژوهش وی تبیین کامل و راهکارهای اجرای این امر مهم نادیده گرفته شده است.

Koosheshgaran در مقاله «سائق‌های آموزش معماری (بازشناخت دستاوردهای حضور در مجتمع هنر دانشگاه یزد)» ضمن تعریف اصطلاح سائق‌های آموزش و تأکید بر ضرورت آن در امر آموزش معماری آن‌را به دو دسته درونی و بیرونی تقسیم می‌رزمینی هستند. به‌عبارتی این مکان هست که اقتضائات خود را به‌عنوان سائق تحمیل می‌کند. هرچند وی عواملی چون تفسیرهای شخصی مدرسان از سرفصل‌های آموزشی و پیش‌داشته‌های متفاوت آموزش‌گیرندگان و سلائق و علائق آنها را سائق خاص یاد می‌کند، اما مکان را مؤثرترین سائق خاص می‌داند. لذا آن دسته از عوامل مکانی که به مفهوم تاریخی، جغرافیایی،

Mirjani در رساله کارشناسی ارشد خود با عنوان زندگی امروز، کالبد دیروز، بازنگری تجربه شکل‌گیری دانشکده معماری یزد در خانه قدیمی مرحوم رسولیان تجربه شکل‌گیری دانشکده معماری و شهرسازی یزد را به‌عنوان یک طرح احیا و منحصربه‌فرد بررسی کرده و میزان موفقیت آن در قالب حوزه‌های سه‌گانه احیا، شبه‌احیا و ضداحیا را سنجیده است. وی پس از تبیین دقیق مسئله، بررسی ساختار و فلسفه اصلی تجربه شکل‌گیری دانشکده معماری به چهارچوب بازنگری آن پرداخته و در ادامه با سنجش طرح احیای دانشکده چهارچوب تعریف‌شده را پردازش کرده است. به‌عنوان نتایج پژوهش وی در مرحله اول موقعیت طرح بازکاربری دانشکده معماری یزد را در ارتباط با ارزیابی میزان پذیرش محیطی دانشجویان طیف‌سنجی و در مرحله دوم عمده‌ترین فاکتورهای محیطی را در این وادی شناسایی و در مرحله نهایی برای افزایش سطح پذیرش محیطی دانشجویان دانشکده معماری یزد پیشنهاداتی را ارائه کرده است (Mirjani, 2002). Fatemi و Khaki نیز در رساله کارشناسی ارشد خود با عنوان قصه تعلیم و تعلم مدرسه ما (قرآنتی نواز خانه رسولیان) با شناخت ویژگی‌های کیفی که تعلیم و تعلم را در مدرسه معماری ارتقا می‌دهد، در تبیین رابطه مابین فضا و آموزش معماری کنکاش کرده‌اند. از این دید کیفیت مذکور احساس سرزندگی و شوری است که می‌تواند در کالبد بی‌جان سیستم آموزش و پرورش دیده شود. ایشان با استناد به تجربه خویش از طول دوران تحصیل خود در مدرسه معماری یزد این مصداق بیرونی را درونی قلمداد کرده و حرکت به سمت آفریدن این چنین کیفیاتی را در همه ابعاد جریان تعلیم و تربیت «حلقه گمشده» علم امروز نتیجه گرفته‌اند (Fatemi & Khaki, 2004). درنهایت در این پژوهش بر این موضوع مهم تأکید شده که می‌توان با یادآوری و بسط معنایی واژه‌ها در چهارچوب سیستم آموزشی معماری معاصر بر قابلیت درک و فهم آنچه شایسته فرهنگ و تمدن ایران است، گام‌های مطمئن‌تر و محکم‌تری برداشت.

Mirvakili با اشاره به نمونه‌های بارز این رویکرد در ایران در راستای استقرار دانشکده‌های معماری و شهرسازی در شهرهای اصفهان، یزد، تبریز و بوشهر در بافت‌های باارزش قدیمی به این باور رسیده که با گذشت زمان دانشگاه می‌تواند موقعیت و جایگاه فرهنگی - آموزشی خود را در بافت شهر کسب کند و قلب تپنده و کانونی اجتماعی - علمی و سبب

تحرك و پویایی پیکر شهر میزبان خود شود. از سوی دیگر وی با اتکا به بررسی‌ها و ارزیابی‌های انجام‌شده از یک‌سو و حضور مستمر در مدرسه هنر و معماری یزد از سوی دیگر اثبات کرده است که هرچند این مجموعه در برخی جنبه‌های حسی و کیفی با استقبال زیادی روبه‌رو شده بود، اما در پاسخگویی به نیازهای عملکردی و کارایی، چه در بعد درونی و چه در بعد بیرونی، توفیق چندانی نیافته بود (Mirvakili, 2007). وی در انتهای پژوهش با شناخت و بررسی الگوی محله الگویی جدید برای سازمان‌دهی فضاهای مدرسه هنر و معماری خلق کرده است تا برای تحقق انگاره طراحی مدرسه - محله هنر و معماری گام مؤثری برداشته باشد؛ هرچند تبیین کامل و راهکارهای اجرای آن را نادیده انگاشته است.

Bemaniyan در مقاله‌ای با عنوان «عناصر هویت‌ساز در معماری سنتی خانه‌های ایرانی (نمونه موردی: خانه رسولیان یزد)» ضمن شناسایی مؤلفه‌های هویت‌ساز در معماری سنتی خانه‌های ایرانی بر توجه به عناصر فضایی و ارتباط آن با فرهنگ جامعه تأکید و با انتخاب خانه رسولیان به‌عنوان نمونه پژوهشی چگونگی ظهور مؤلفه‌های هویت‌ساز در عناصر معماری سنتی خانه‌های ایرانی را بررسی کرده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که مؤلفه‌های هویت ملی در قالب ۴ بعد ارزش‌ها و هنجارهای ملی، میراث فرهنگی، اسطوره‌ها و نمادهای ملی، ویژگی‌های جغرافیایی و باورهای مذهبی تعریف می‌شود و شیوه‌های نمایش این عناصر در معماری به صورت: ۱. تکرار الگوهای گذشته، ۲. استفاده از نمادها، ۳. معماری بومی، ۴. تزئینات و ۵. اصول معماری ایرانی (مردم‌واری، پرهیز از بیهودگی، نیارش، درون‌گرایی و خودبستگی) سامان‌دهی می‌شود (Bemaniyan & Qolami Rostam & Hojjat Panah, 2010). Soleimani و Mondehari نیز با انتخاب دانشکده هنر و معماری یزد به‌عنوان نمونه پژوهشی و استفاده از نظریه داده‌بنیاد به شناسایی معیارهای خانه‌های سنتی یزد در پاسخگویی به نیازهای اساسی روان‌شناسی در معماری ایران پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بناهای سنتی با ایجاد شرایطی چون سازمان‌دهی قلمروی شخصی، حس تعلق خاطر، تمرکز درون‌فردی و ارتباطات اجتماعی به ترتیب زمینه‌ساز پدیده‌هایی چون: ۱. آزادی عمل و استقلال فردی، کنترل حریم شخصی و میزان حریمیت، ۲. پابندی حسی،

جمعی شده هستند که پیامدهایی چون امنیت روانی، هویت‌بخشی، خودسازی و مشارکت مفید اجتماعی را نیز در پی خواهد داشت (Soleimani & Mondegar, 2015) (شکل ۱۵ و ۱۴).

خوانایی فضا و همذات‌پنداری با فضا، ۳. آرامش ذهنی و تمرکز حواس و ۴. سلسله‌مراتب میزان محرمیت، دسته‌بندی انواع اجتماعات، افزایش اتحاد جمعی، کنترل، تسهیل و تقویت ارتباطات



شکل ۱۴. دانشکده هنر و معماری یزد (خانه رسولیان)



شکل ۱۵. دانشکده هنر و معماری یزد (خانه رسولیان)

عرصه‌های مختلف فضایی، ۲. انعطاف‌پذیری در کنترل محرمیت جمعی و فردی، ۳. تنوع کاربری و رفتاری و احساسی، ۴. تناسب کالبدی بر پایه عملکرد، تضاد منطقی میان کالبد و گذر زمان، ۵. نشانه‌های مذهبی - اجتماعی، درون‌گرایی و از همه مهم‌تر ۶. وجود بهانه‌سازهای اجتماع‌پذیر به خاطر جمعی در ذهن مخاطب و در نتیجه خاص و منحصر به فرد بودن آن دست یافت (Gehl, 1986). مرلوپونتی، هایدگر، ریکور و پلاسما

شناسایی عوامل کیفیت‌بخش فضایی در مدارس معماری زمینه‌محور

از دید پژوهشگران حوزه علوم اجتماعی و روان‌شناسی محیط می‌توان داده‌های حاصل از بررسی عوامل کیفیت‌بخش در تحلیل عملکرد فضاهای آموزشی را در ۴ منظر متمرکز کرد:

۱. منظر رفتاری - اجتماعی: در معماری سنتی ایرانی می‌توان با چند راهکار: ۱. ایجاد سلسله‌مراتب در

در نتیجه حس تعلق به فضا نقش دارند، قابل استناد است (Bently et al, 2007). بدیهی است که این توانمندی فضایی به راحتی می‌تواند آرامش را برای مخاطب خود فراهم آورد.

۴. منظر احساسی - ادراکی: امکان تصویرسازی ذهنی از میدان که با تأکید بر عناصر خاطره‌ساز، عوامل ذهن آشنا، تجلی عناصر زنده و توجه به انعطاف‌پذیری میدان محقق شده است، به پای‌بندی احساسی، خوانایی، احساس همذات‌پنداری با فضا و درنهایت مانایی میدان در ذهن مخاطب منجر شده است. لینچ با خلق واژه «تصویر ذهنی» برای نخستین بار این موضوع را به عرصه معماری و شهرسازی وارد کرد (Bently et al, 2007) و تئوریسین‌هایی همچون یوهانی پلاسما، آلبوش و هستر آن را گسترش دادند.

مراحل اجرای پژوهش

۱. تعیین موضوع: اولین گام در نظریه داده‌بنیاد تعیین موضوع است (Mehrabani et al. 2011). انتخاب موضوع در مرحله اول بر اساس هدف پژوهش و در مرحله بعد بر اساس پژوهش‌های زمینه‌ای وسیع در حوزه مباحث اصلی پژوهش است.

۲. جمع‌آوری داده‌ها: در نظریه داده‌بنیاد پژوهش با یک تئوری و سپس اثبات آن آغاز نمی‌شود، بلکه روند پژوهش با حوزه پژوهشی شروع و به تدریج موارد مرتبط پدیدار می‌شود (Corbin & Strauss 1998).

۳. تجزیه و تحلیل داده‌ها: فرایندی چندمرحله‌ای است که طی آن داده‌ها با به‌کارگیری ابزارهای جمع‌آوری در مرحله پیشین خلاصه‌بندی، دسته‌بندی و درنهایت پردازش می‌شود (Saldaña J, 2015). Charmaz کدگذاری را پیوند حساس میان گردآوری اطلاعات و افاده معنا توسط آنها می‌داند. نخستین گام در هر تجزیه و تحلیل دسته‌بندی داده‌هاست. پس هدف از اولین تحلیل‌هایی که بر داده‌ها صورت می‌گیرد، تولید کدهایی است که مستقیماً با داده‌ها در ارتباط است (Charmaz, 2008)، لذا پس از استخراج مفاهیم کدها که برای تکوین منسجم، منظم و مشروح نظریه به کار می‌رود در سه گروه طبقه‌بندی می‌شود: «کدگذاری باز»^{۱۹}، «کدگذاری محوری»^{۲۰} و «کدگذاری انتخابی»^{۲۱} (Creswell & Creswell 2003). در این مرحله «نظریه پرداز داده‌بنیاد»

مبانی نظری خود را در راستای این ارتباط ارائه کرده‌اند. معماری در زمینه بازنمایی و سازمان‌دهی فعالیت و قدرت، نظام‌های اجتماعی و فرهنگی، برهم‌کنش و جدایی، هویت و حافظه با پرسش‌های وجودی بنیادینی درگیر است. پلاسما بر این باور است که انسان هویت خود را با این فضا، با این لحظه و با ابعادی که بدل به عناصر سازنده هستی او می‌شود، تشخیص می‌دهد. معماری هنر مصالحه مابین انسان و جهان پیرامون اوست و این میانجی‌گری از طریق ادراکات حسی رخ می‌دهد. از دید مرلوپونتی تجربه احساسی که انسان با کالبد بدنی خویش به یکباره به دست می‌آورد به همراه آنچه که به دنیایی از احساسات متقابل گشوده می‌شود، از نظر ادراک طبیعی، ناپایدار بوده و برای آن بیگانه است (Piravi Vanak, 2010). آنچه در سکونت امروزه ما از دست رفته تبادل بالقوه میان بدن، تخیل و محیط است.

۲. منظر فعالیتی - عملکردی: توجه به فعالیت و عملکرد هر مکان و قابلیت آن برای پوشش عملکردی جدید از ویژگی‌های مهم و قابل تأمل در هر فضای آموزشی است. همان‌طور که پیش از این عنوان شد پیترز عملکردهای مرتبط در مدارس را با همبستگی اجتماعی مرتبط می‌داند. Carmona نیز اشتغال فعال و غیرفعال کاربران در تمایل به ایجاد یا تقویت فعالیت‌های جدید عملکردی در چنین شرایطی نتیجه می‌گیرد (M, C, 2006).

۳. منظر آسایشی - تفریحی: یکی از مباحث مهم و اساسی در این منظر بحث «امنیت» و «آسایش» جسم و روان است. امنیت جسمانی و روانی تحت شرایطی چون حذف نگاه‌های ناخواسته، وجود فضای دنج و خودساخته، دسترسی‌های غیرمستقیم به حریم میدان، تأکید بر مرزبندی و عرصه‌بندی میدان و قابلیت تنظیم میزان محصوریت فضا ایجاد شده است. این پارامتر مهم کالبدی زمینه‌ساز آزادی فردی، استقلال فردی، برقراری تعاملات اجتماعی سالم و درنهایت تطبیق میزان محرمیت میدان با نیاز خاص مخاطب در عین کاربری جمعی است. این موضوع در نظریات لینچ، هالبواکس، نسر که بر ارتباط متقابل جاودانگی فضا در ذهن مخاطب، امنیت فضایی و پارامترهای سازنده هویت در ارتباط با مخاطب انسانی و

²¹ Selective Coding

¹⁹ Open Coding

²⁰ Axial Coding

(Creswell 2003). الگوی کدگذاری که مشتمل بر ترسیم نمودار است، روابط فی‌مابین این مقوله‌ها را آشکار می‌کند. ۴. نگارش و ارائه نظریه: این مرحله که مرحله تلفیق و هماهنگ‌سازی رشته‌های مفهومی بین مقولات است با شناسایی مقوله محوری که بتواند مقولات اصلی و فرعی دیگر را در خود از نظر مفهومی جمع و با آنها ارتباط برقرار کند به دست می‌آید (Ayatollahi, 2001) (جدول ۱).

مقوله‌ای از مرحله کدگذاری باز را انتخاب می‌کند. در مرحله نخست آن را «پدیده محوری»^{۲۲} در مرکز فرایند پژوهشی، که در حال بررسی آن است، قرار می‌دهد و در مرحله بعد دیگر مقوله‌ها را به آن مرتبط می‌کند. این مقوله‌ها عبارت است از: «شرایط علی»^{۲۳}، «شرایط زمینه‌ای»^{۲۴}، «شرایط مداخله‌گر»^{۲۵}، «راهبردها»^{۲۶} و «پیامدها»^{۲۷} (Creswell &

جدول ۱. فرایند ساختن نظریه داده‌بنیاد.

مرحله پژوهش	فعالیت پژوهشی
طرح پژوهش	تعریف مسئله پژوهش تعریف سازه‌های ساخته‌شده پیشین نمونه‌گیری نظری در برابر نمونه‌گیری تصادفی
گردآوری داده‌ها	تداخل مرحله گردآوری و تحلیل داده‌ها
مرتب کردن داده‌ها	مرتب کردن تقویمی رویدادها
تحلیل داده‌ها	کدگذاری باز، کدگذاری محوری، کدگذاری انتخابی
مقایسه ادبیات	مقایسه نظریه حاصل از داده‌ها با چهارچوب‌های مشابه و متفاوت

(Zokaei, 2002)

در نظر گرفته شد (Corbin & Strauss 1998). طبق این اصل زمانی که پژوهشگر به این نتیجه برسد که انجام مصاحبه‌های بیشتر اطلاعات بیشتری در اختیار او قرار نمی‌دهد و صرفاً تکرار اطلاعات پیشین است، گردآوری اطلاعات را متوقف می‌کند. نظرات افراد مشارکت‌کننده در مصاحبه‌ها از مصاحبه هفدهم به بعد به اشباع رسید، با این حال فرایند مصاحبه با نفر بیستم پایان یافت. مصاحبه‌ها به صورت الکترونیکی ضبط و بعد از اتمام مصاحبه از روی فایل صوتی پیاده شد و در نهایت برای آماده‌سازی داده‌ها برای کار با نرم‌افزار تخصصی Atlas.ti ابتدا در قالب فایل Word و سپس فایل Rft مدون شد.

تحلیل داده‌ها و یافته‌ها

برای افزایش دقت و تحلیل دقیق‌تر یافته‌های پژوهش پژوهشگر فرایند کدگذاری داده‌ها را از دو مسیر مجزا، اما به موازات هم، کدگذاری دستی و کدگذاری نرم‌افزاری کرد و در نهایت نتایج این دو مرحله را ترکیب و تبیین کرد تا بتواند مدل نموداری تدوین نظریه در «نظریه داده‌بنیاد» را ترسیم کند (جدول ۲).

نمونه‌گیری هدفمند و گردآوری داده‌ها

از آن‌جا که داده‌ها مهم‌ترین عرصه در فرایند پژوهش بر اساس «نظریه داده‌بنیاد» است، نمونه‌گیری از جامعه آماری پژوهش بر اساس روش نمونه‌گیری هدفمند یا غیراحتمالی انجام شد و از بین راهبردهای نمونه‌گیری هدفمند تشریح‌شده بر اساس یافته‌های Gall و Teddlie راهبرد «کلوله برفی»^{۲۸} برای این پژوهش مناسب تشخیص داده شد. نمونه‌های منتخب گزینشی از فعال‌ترین و مشتاق‌ترین معماران فارغ‌التحصیل از دانشکده معماری یزد در عرصه آموزشی و عملکردی و نیز ترکیبی از گروه‌های درگیر در فرایند خلق ایده‌های نو در حوزه آموزش معماری بود. فرایند پژوهش با پنج فرد صاحب‌نظر در حوزه مباحث اصلی پژوهش آغاز شد. طی فرایند مصاحبه با نمونه‌ها این سؤال مطرح شد که مصاحبه‌شونده چه افراد دیگری را برای ورود به این حوزه پژوهش و حصول به نتیجه بی‌طرفانه واجد شرایط می‌داند؛ به این شکل دیگر افراد مشارکت‌کننده در پژوهش انتخاب شدند. تعداد نمونه مصاحبه‌شده بر اساس اصل اشباع در حجم نمونه

²⁶ Strategies²⁷ Consequences²⁸ Snowball/Chain/Network Sampling²² Core Category or Phenomenon²³ Causal Conditions²⁴ Context Conditions²⁵ Intervening Conditions

جدول ۲. مراحل کدگذاری باز، محوری و انتخابی به صورت دستی

مرحله کدگذاری باز: ۲۸ کد باز (گزاره مفهومی اولیه)	کدگذاری سطح اول: تولید مفاهیم اولیه	۱۳۰۱ کد اولیه ۵۴۵ کد ۲۵۹ کد ۸۳ کد ۸ کد نهایی
مرحله کدگذاری انتخابی یا گزینشی: ۶ مؤلفه نظری (ارائه الگوی پارادایمی)	کدگذاری سطح دوم: تولید مقوله‌های عمده	شرایط علی (عوامل ایجادکننده) شرایط مداخله‌گر (دخیل) شرایط زمینه‌ای (بستر حاکم) مقوله محوری (پدیده محوری) راهبردها (راهکارهای توسعه‌دهنده) پیامدها

برقراری ارتباطات ماندگار رفتاری عملکردی، ارتقای رویهٔ هنجاری - اخلاقی در فرایند ادراک مکان، بازخوانی ارزش‌های زیبایی‌شناسی در مکان، وجوه مشخصه و متمایز مکان در روند خلق فرصت‌های رفتاری جدید، عوامل تضعیف‌کننده در سیر تکاملی حرفهٔ معماری در سطح شهرهای جدید پارامترهای هویت‌شناسی برآمده از قابلیت‌های نهفته در مکان، توانمندی ادراکی مکان در فرایند خاطره‌انگیزی، ارتباطات متقابل مابین معمار و محیط آموزشی معماری، عوامل محیطی تسهیل ارتباطات عملکردی هم‌ساخت

مرحله کدگذاری محوری: ۱۶ کد محوری (گزارهٔ مقوله‌ای)

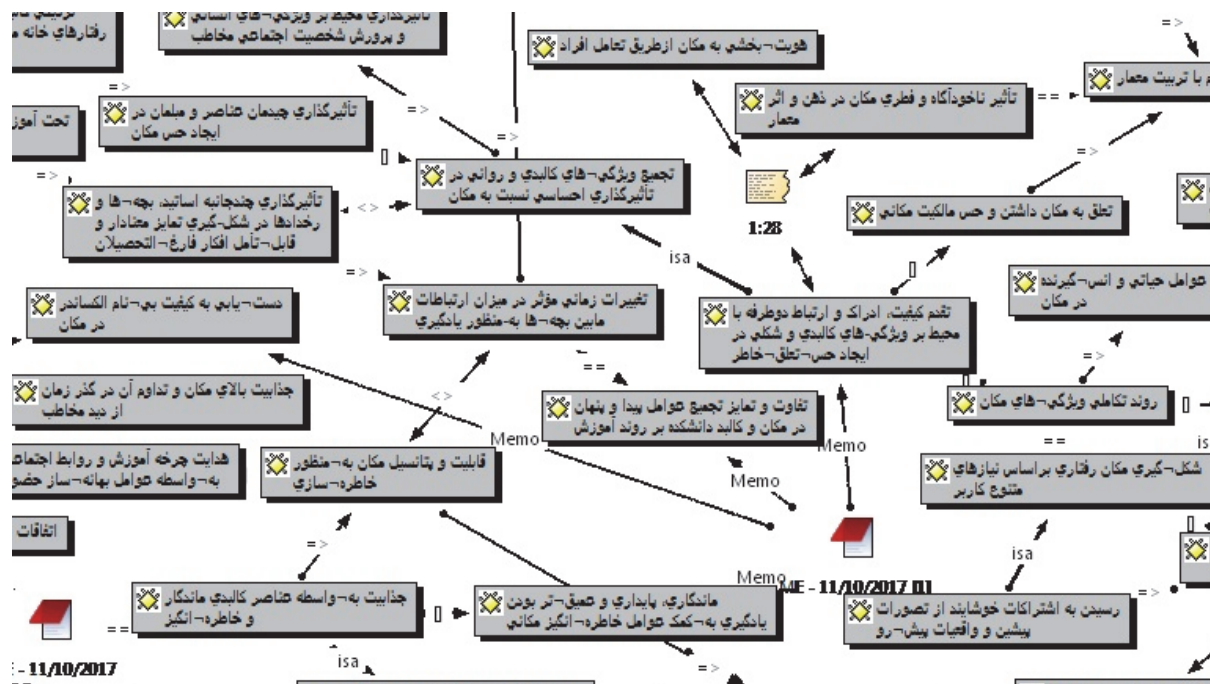
ارتباط منطقی و علی بین مقوله‌ها، استخراج مؤلفه‌ها و تعیین مقوله‌های مؤثر بر پدیده، فرایند، تعامل و پیامد

مرحله کدگذاری انتخابی یا گزینشی: ۶ مؤلفه نظری (ارائه الگوی پارادایمی)

انتخاب و تعیین مقولهٔ هسته (پدیده محوری) و نمایش ارتباطات

طراحی و تبیین شود. برای این کار از نرم‌افزار تخصصی Atlas.Ti که امروزه یکی از سه نرم‌افزار معروف جهانی در حوزهٔ تحلیل داده‌های کیفی است، استفاده شد. بنابراین پژوهشگر برای اعتبارسنجی بیشتر کار خود در این رساله همهٔ موارد پیشین را با این نرم‌افزار انجام داده است (شکل ۱۶).

پس از گردآوری داده‌های مصاحبه‌ای، مشاهدات، رجوع به منابع مکتوب و تئوری‌های پیشین در این حوزه از پژوهش فرایند تحلیل و کدگذاری داده‌ها در امتداد با نمونه‌گیری ادامه یافت. در این فرایند مطابق با اصول «نظریهٔ داده‌بنیاد» مقایسه مبنای کار قرار گرفت تا بار دیگر سه مرحله اصلی کدگذاری



شکل ۱۶. نمودار حاصل از خلاصه‌سازی نتایج با کمک فرایند کدگذاری، تحلیل و آنالیز داده‌های نظریه‌بنیاد با نرم‌افزار Atlas.Ti ورژن 7.2

بحث

کرد و از سوی دیگر رابطه بین دو مقوله اصلی «کیفیت‌بخشی» و «فرایند آموزش» که از مرحله ابتدایی «کدگذاری باز» از ۱۰ مصاحبه نخست به دست آمده بود، عمیق‌تر شناخته شد تا زوایای پنهان وجودی این دو واژه نیز روشن شود. در نهایت از دستاوردهای این مرحله مشخص شد در عین حال که شاخصه‌های فرمی مؤثر در بحث «کیفیت‌بخشی» از چهار بعد کلی تشکیل شده، این قابلیت را در خود نهفته دارد که در لایه‌های عمیق‌تر خود به مباحث مفهومی در رابطه با آموزش معماری از بستر موجود منتهی شود. هرکدام از این مفاهیم که در ساخت مدل هماهنگ‌سازی نظری مرتبط با بحث مشارکت دارد، خود می‌تواند موضوع و شاخصه اصلی پژوهشی جدید و نیز شالوده اصلی ساخت یک نظریه علمی نوظهور باشد (شکل ۱۷).

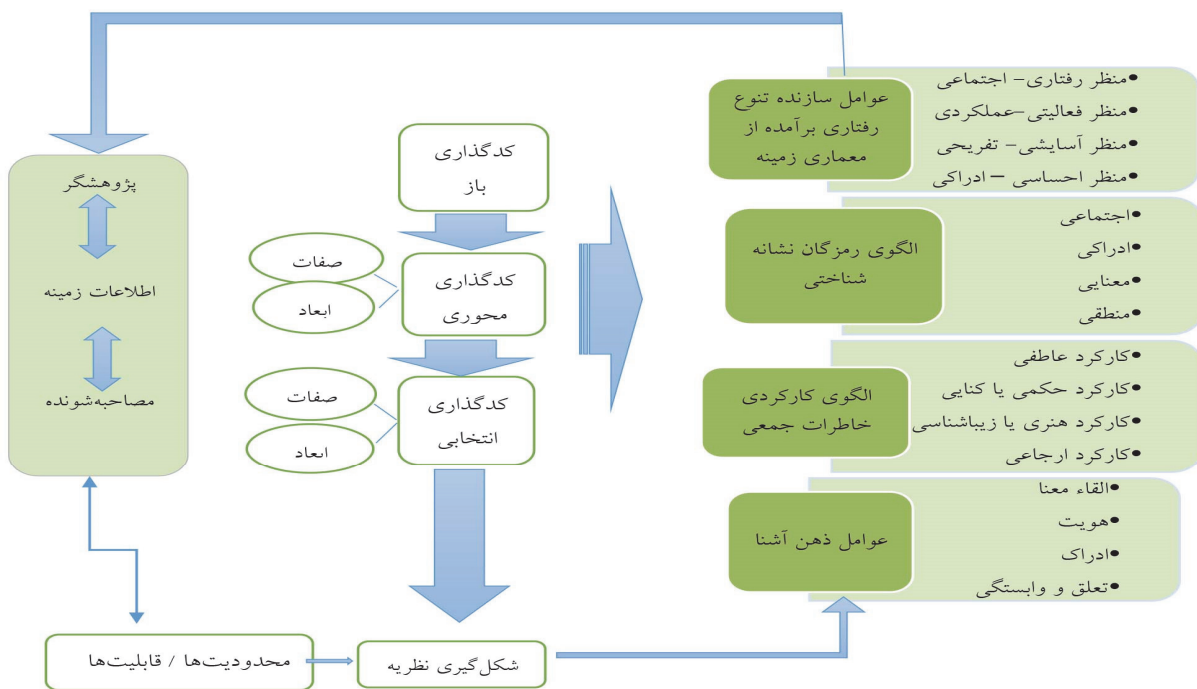
با استناد به نتایج حاصل از فرایند کدگذاری و مسیر طی‌شده در شکل ۱۷ در پاسخ به سؤالات اصلی پژوهش می‌توان ادعا کرد که شاخصه‌های فرمی برآمده از معماری زمینه به چهار دسته کلی تقسیم می‌شود: «عوامل سازنده تنوع رفتاری»، «الگوی رمزگان نشانه‌شناسی»، «الگوی کارکردی خاطرات جمعی» و «عوامل ذهن آشنا در مکان». سه شاخصه نخست با مباحث نظری مربوط به پیشینه این پژوهش وجوه اشتراک زیادی دارند، اما شاخصه نهایی از بطن یافته‌های این پژوهش موردی و این بستر پژوهشی زاده شده و به‌واقع دستاورد اکتشافی حاصل از تبیین موضوع کیفیت‌بخشی در این بستر آموزشی زمینه‌محور است. این فرایند پژوهشی در شکل ۱۸ به‌وضوح تبیین شده است. بر این اساس در تشریح این تقسیم‌بندی می‌توان به مقوله‌هایی که از کالبد با «اصول معماری ایرانی» شناخته می‌شود همچون: «هندسه»، «تناسبات»، «تقارن»، «جهت‌گیری و استقرار درست کالبد»، «عرصه‌بندی فضایی»، «ترئینات» و از همه مهم‌تر «معماری انعطاف‌پذیر» اشاره کرد که با اثرگذاری بر فرایند شکل‌گیری خاطرات محیطی قادرند منشأ خلق تعاملات گسترده انسانی نیز باشند. الگوی زمانی حاکم بر فضای پیرامون نیز که با مدل عملکردی مجموعه در ارتباط مستقیم و همیشگی قرار می‌گیرد، در ساخت دستاوردهای کیفی برآمده از مکان از یک‌سو و در تعیین الگوهای کالبدی برای عملکردهای نوظهور از سوی دیگر بسیار مؤثر است. هرچند با تأملی عمیق‌تر بر این پژوهش روشن

آنچه از فرایند طی‌شده در مصاحبه‌ها و از طریق روابط مابین کدها به دست آمد، نشان می‌دهد که موضوع پژوهشی در این مقاله – تبیین مفهوم کیفیت‌بخشی در فضاهای آموزشی – ماهیتی پیچیده و چندبعدی دارد. بنابراین مقوله‌ها و مؤلفه‌هایی که علل عمده وقوع پدیده اصلی هستند مستقل از یکدیگر نبوده، بلکه برخی از عوامل به بروز عوامل دیگر منجر شده و نیز قادرند در یک رابطه متقابل تأثیر یکدیگر را تشدید یا تضعیف کنند. این روابط برای هر مصاحبه به صورت موردی ترسیم شد و در نهایت از ادغام مجموعه نمودارها نمودار نهایی با محتوای شبکه علی «شناسایی پارامترهای مؤثر بر کیفیت‌بخشی در فضاهای آموزش معماری» به دست آمد. لازم به ذکر است که علاوه بر علل مستقیم در بروز این پدیده برخی از کدهای شناسایی‌شده در مصاحبه‌ها از دسته علل غیرمستقیم اما مؤثر در نتیجه پژوهش محسوب می‌شود. به عبارت دیگر این عوامل را می‌توان کلان روندهایی تلقی کرد که خارج از سیستم آموزش معماری بوده، اما می‌تواند بر علل اصلی (مؤلفه‌های) پژوهش تأثیر بگذارد و با تعیین ابعاد پژوهش قابلیت‌های زمینه پیرامونی را بسنجد و در نهایت با طی این فرایند به مفهوم «خاطره‌انگیزی از مکان» نزدیک شود. ویژگی‌های شخصیتی، ویژگی‌های اکتسابی، پیش‌زمینه ذهنی، پسند عمومی جامعه، رویه هنجاری - اخلاقی، معماری خاص مؤلفه‌های شناسایی‌شده در این پژوهش هستند. این مؤلفه‌ها علاوه بر این که بر ماهیت مبهم و پیچیده فرایند «کیفیت‌بخشی» اصرار می‌کنند، ضرورت اندیشیدن و تمهید رویکردی هوشمندانه، منعطف و دموکراتیک در حوزه طراحی فضاهای آموزشی معماری و استفاده از پتانسیل‌های معماری سرزمینی را نیز می‌خواهند. از آن‌جا که هدف اصلی این پژوهش بر پایه مفهوم‌سازی و برقراری ارتباط منظم، منطقی و بدیع بین مفاهیم در نظر گرفته شده بود، پس در ادامه پژوهش لازم بود که مفاهیم به‌دقت خالص شود تا ماهیت و ذات اصلی آن‌ها پدیدار شود. در این مرحله علاوه بر دستیابی به «صفات» و «ابعاد» پدیده‌ها فرضیه‌های پنهانی به دست آمد. بدین طریق و با کمک رابطه‌های نهفته متنوع در دل این فرضیه از یک‌سو واژه «معنا»^{۲۹} از لایه‌های سطحی به لایه‌های عمیق‌تر نفوذ

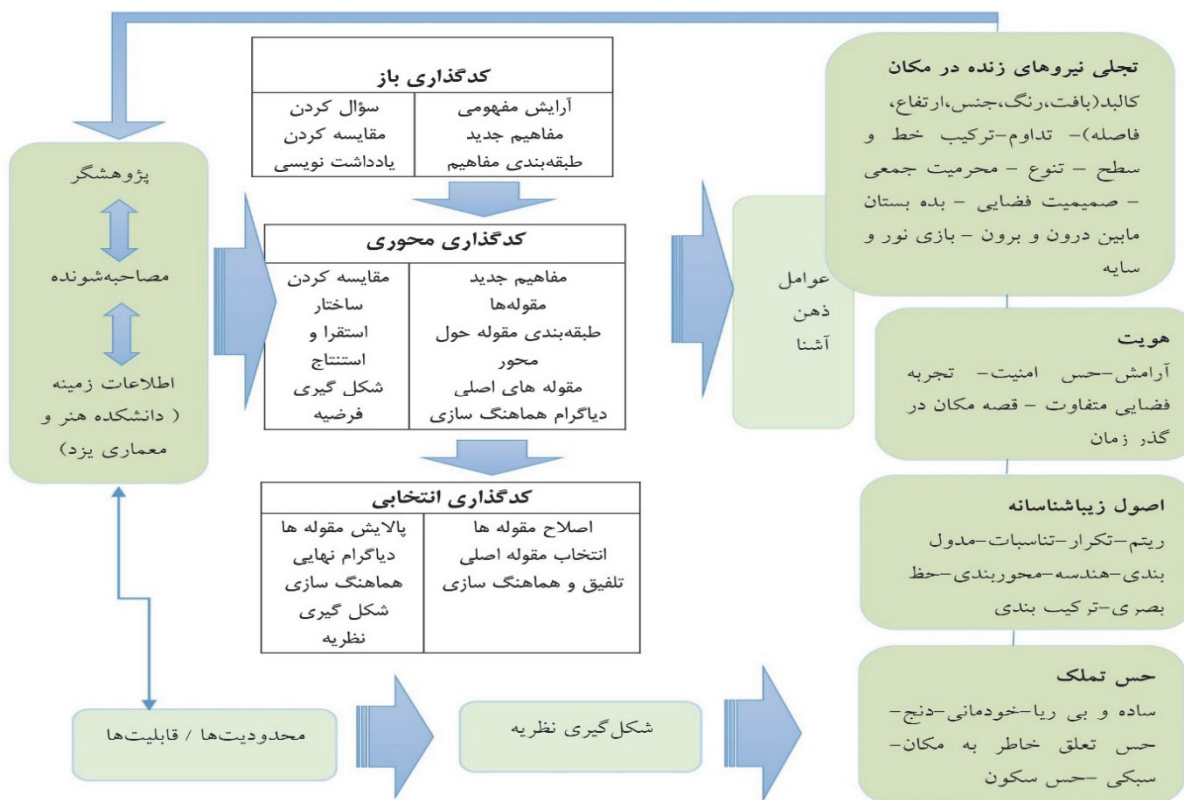
²⁹ Meaning

شناخته می‌شود و می‌تواند در برقراری ارتباطات ماندگار، قوی و مستحکم با مخاطب خود به شدت تأثیرگذار باشد.

می‌شود که این عوامل خود با ارزش‌هایی چون: «هویت»، «حس تملک»، «اصول زیباشناسانه» و «تجلی نیروهای زنده در مکان»



شکل ۱۷. نمودار مدل ابتدایی از فرایند هماهنگ‌سازی نظری در پاسخ به سؤالات اصلی پژوهش بر پایه نتایج حاصل از پژوهش موردی



شکل ۱۸. نمودار مدل نهایی از فرایند هماهنگ‌سازی نظری در پاسخ به سؤالات اصلی پژوهش بر پایه نتایج حاصل از پژوهش موردی.

واقعی و کیفی به خلق و ایجاد نظریه می‌پردازد، یکی از روش‌هایی است که می‌تواند پلی بین دو پارادایم گذشته و آینده باشد. «رویکرد تحلیلی داده‌بنیاد» با شکستن قالب‌های محدود گذشته که غالباً به آزمون نظریه‌های مستفاد از قیاس اکتفا می‌کرد، خود به نظریه‌سازی می‌پردازد و بر همین اساس است که می‌تواند با مباحث کیفی معماری سنخیت بیشتری برقرار کند. از یک‌سو تحمیل پیش‌فرض‌های پژوهشگر بر مباحث کیفی معماری و تفسیر به رأی آنها برای انطباق با شرایط واقعی جامعه انسانی و سنجش میزان رضایت مخاطب از فضای معماری به‌شدت از سوی پژوهشگران نظریه کمی نکوهش شده و از سوی دیگر مراحل انجام رویکرد داده‌بنیاد ساخت‌گرا از نحوه جمع‌آوری داده‌ها تا مراحل دسته‌بندی آنها، تجزیه و تحلیل نهایی و ارائه نظریه بی‌شباهت با فرایند رفتاری انسان در فضا و کالبد معماری نیست. با استناد به این دلایل و با توجه به نتایج پیشینه پژوهشی و مبانی نظری مرتبط با مبحث «کیفیت‌بخشی» که در بخش مربوطه به تفصیل بیان شد، یافته‌های حاصل از بررسی دانشکده معماری یزد به‌عنوان نمونه پژوهشی در دو قالب کلی با عنوان: ۱. تبیین شباهت‌ها و ۲. ارزیابی تفاوت‌های نتایج این پژوهش با نظریات پژوهشگران این حوزه تشریح و تبیین شده است (جدول ۴ و ۳).

پژوهش‌ها با هدف توجه به مباحث کیفی در حوزه معماری و تحلیل آنها نشان داده که تاکنون این مباحث و به‌خصوص مباحث مربوط به حوزه علوم رفتاری و روان‌شناسی محیط که از دل طرح‌های بالادست و تفضیلی رشد کرده، بر مبنای رویکرد پوزیتیویستی انجام شده و یا در حال انجام است. حال آن‌که نتایج ارزیابی این طرح‌ها در پژوهش‌های مختلف شکست برنامه‌ریزی‌های کاربردی از یک‌سو و ناهماهنگی تحقق نیافتن مابین کاربر و فعالیت انسان در طرح‌های پیشنهادی را از سوی دیگر نشان می‌دهد. در این پژوهش به‌عنوان نمونه بر رویکرد «کیفیت‌بخشی» به‌عنوان یکی از مباحث مهم کیفی در حوزه معماری و تعامل آن با «مدارس آموزش معماری» به‌عنوان حوزه مهم فعالیتی - عملکردی مخاطب مکث می‌شود؛ چراکه این تعامل کیفی می‌تواند به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در نوع رفتار، فعالیت، سبک حرفه‌ای و تعاملات مخاطب اثر بگذارد. از آن‌جا که در دو دهه اخیر انتقادات زیادی به محتوا و رویه برنامه‌ریزی و تدوین مباحث کیفی در بستر طراحی معماری شده، این پژوهش تبیین و تحلیل علل ارتباط مابین بحث «خاطره‌انگیزی» و «تأثیرات زمینه و بستر معماری در فضاهای آموزش معماری» را با رویکرد تحلیلی داده‌بنیاد ساخت‌گرا انجام داده است. این روش که با استفاده از استقرا و بر اساس داده‌های

جدول ۳. تبیین و تشریح یافته‌های پژوهش.

نتیجه‌گیری (تبیین و تشریح یافته‌های پژوهش)	نتایج پیشینه پژوهشی (با استناد به نظریات Lee و Charmaz، Creswell)	مرتبط کردن یافته‌ها با پژوهش‌های پیشین (تبیین شباهت‌ها)	منظر رفتاری - اجتماعی منظر فعالیتی - عملکردی منظر آسایشی - تفریحی منظر احساسی - ادراکی تفریحی
	سنخیت مباحث کیفی معماری با روش پژوهش انطباق با شرایط واقعی جامعه و مردم		

جدول ۴. تبیین و تشریح یافته‌های پژوهش؛ مرتبط کردن یافته‌ها با پژوهش‌های پیشین (تبیین شباهت‌ها)

تبیین مفاهیم اصلی به‌عنوان شاخصه‌های فرمی در کالبد با استناد به نمونه موردی (دانشکده معماری یزد)	مفاهیم اصلی	نظریه‌پردازان	مرتبط کردن یافته‌ها با پژوهش‌های پیشین (تبیین شباهت‌ها)
ایجاد سلسله‌مراتب در عرصه‌های مختلف فضایی، انعطاف‌پذیری در کنترل حریمیت جمعی و فردی، تنوع کاربری، رفتاری و احساسی، تناسب کالبدی بر پایه عملکرد، تضاد منطقی میان کالبد و گذر زمان، نشانه‌های مذهبی - اجتماعی، درون‌گرایی و از همه مهم‌تر وجود بهانه‌سازهای اجتماع‌پذیر	خاطره جمعی، نظام‌های اجتماعی و فرهنگی، تحریک احساسات جمعی	مرلوپونتی هایدگر ریکور پلاسما	
تبیین مفاهیم اصلی به‌عنوان شاخصه‌های فرمی در کالبد با استناد به نمونه موردی (دانشکده معماری یزد)	مفاهیم اصلی	نظریه‌پردازان	منظر فعالیتی - عملکردی

تبیین مفاهیم اصلی به‌عنوان شاخصه‌های فرمی در کالبد با استناد به نمونه موردی (دانشکده معماری یزد)		مفاهیم اصلی	نظریه پردازان
سازمان‌دهی تناسب‌دوست، هندسه و منطق پاسخگو و انعطاف‌پذیری عملکردی، بهره‌مندی کالبد و بستر معماری از پتانسیل‌ها و قابلیت‌های متعدد و متنوع، زمینه‌سازی برای ایجاد فرصت خلق و پرورش عملکردها و فعالیت‌های جدید و نوظهور	اشتغال فعال و غیرفعال کاربران، مکان سالم و انعطاف‌پذیر و پاسخگو، ظرفیت و تناسب مکان	پیترز کارمونا لنگ فیشر گهل گروتز بنتلی	
تبیین مفاهیم اصلی به‌عنوان شاخصه‌های فرمی در کالبد با استناد به نمونه موردی (دانشکده معماری یزد)	مفاهیم اصلی	نظریه‌پردازان	
پتانسیل و قابلیت نهفته مکان در دل بافت ارگانیک و زیرمجموعه‌های آن، تنوع فضایی در عین یک‌رنگی و همسانی کالبد، ارتباط مکشوف و بده‌بستان درون و برون‌فضایی، غیرقابل‌پیش‌بینی‌بودن اتفاقات پیش رو در مکان، دل‌بازی، روشنی و تقابل مابین فضاهای متنوع، همنشینی گیاه، آب و کاه‌گل در دل طبیعت خشن و قابلیت بالای انعطاف‌پذیری عرصه‌های عملکردی	امنیت فضایی، هویت، آسایش، جاودانگی، حس تعلق	لینچ هالباوکس نسر	منظر آسایشی - تفریحی مرتبط کردن یافته‌ها با پژوهش‌های پیشین (تبیین شباهت‌ها)
تبیین مفاهیم اصلی به‌عنوان شاخصه‌های فرمی در کالبد با استناد به نمونه موردی (دانشکده معماری یزد)	مفاهیم اصلی	نظریه‌پردازان	
ارتباطات نزدیک فضایی - مکانی در بافت، زنده بودن روابط انسانی و جریان‌های حیات روزمره در مکان، تناسب هندسی درست کالبد با هدف همساز و همگامی با مقیاس انسانی (جسمی و روحی)، بی‌ریایی و نبود تفاخر معماری مردمی، دعوت‌کنندگی و جاذبه‌های نهفته و آشکار در دل بافت پیرامون	ادراک محیطی، تداوم حضور، تصویر ذهنی، احساس همذات‌پنداری	پلاسما آلبواش هستر	منظر احساسی - ادراکی

معماری پنهان اشاره کرد. در حالی که پژوهش‌های پیشین همه به‌نوعی در مدح و ستایش این نوع از بستر معماری سخن‌ها گفته‌اند، در این پژوهش به ضرورت بازشناسی تأثیرات دوجانبه آن تأکید می‌شود و عواملی چون: شناسایی کامل اغتشاشات عملکردی، ضرورت توجه به آفت‌های معماری نمادین، فراگیر شدن سبک‌های معماری سطحی در بین مردم، غفلت از ایده‌آل‌های معماری متناسب با عصر کنونی و ناتوانی معمار امروزی در ارائه نمونه عملکردی مناسب و پاسخگو از پیامدهای اسارت در این سبک معماری، نگاه سطحی و احساسی به محیط پیرامون و غفلت از تکنولوژی و دستاوردهای به‌روز معماری است.

نتیجه‌گیری

روابط بین مقوله‌های عمده، شرایط زمینه‌ای و شرایط علی برای نخستین بار در این پژوهش شناسایی شده است. بنابراین این پژوهش در تعیین سهم هرکدام از این عوامل برای اولویت‌بندی راهکارهای اصلاحی راهنمای مناسب و مطمئنی را ارائه می‌دهد؛ از جمله این موارد می‌توان به سازمان‌دهی عوامل زمینه‌ساز در تعیین وجوه مشخصه و متمایز مکان در روند خلق فرصت‌های رفتاری جدید، تلفیق درست و استفاده به‌جا از قابلیت‌های پیدا و پنهان کالبد آموزشی در راستای تربیت معمار سرزمینی و سازمان‌دهی عوامل سازنده قابلیت‌های زمینه و بستر مکانی در خلق

کارکرد ارجاعی ضرورت وجود بستر تعاملات اجتماعی، عملکردی، رفتاری و احساسی به شدت محسوس است. در نهایت این‌که با بهره‌گیری از روش «قیاس» بین داده‌های پژوهش، یادداشت‌نگاری و فرایند ادراک «هویت» یکی از نتایج ارزنده این پژوهش شناسایی شد. هویت که خود از عواملی چون «معنا»، «ادراک»، «خاطره» و «تعلق و وابستگی مکانی» نشئت می‌گیرد، در این پژوهش موردی و در فرایند آموزش معمار از زمینه معماری با واسطه و بی‌واسطه بسیار مهم و کلیدی ارزیابی می‌شود.

تقدیر و تشکر

نویسندگان از تمامی کسانی که آنها را در نوشتن این مقاله یاری رساندند، کمال تشکر و قدردانی را دارند.

منابع مالی

منابع مالی این مطالعه توسط نویسندگان تهیه شده است.

تعارض منافع

بین نویسندگان هیچ‌گونه تعارضی در منافع وجود ندارد.

در این پژوهش به کاربرد نمادها و نشانه‌های معماری سرزمینی و متناسب با عملکرد، رفتارها و توقعات کاربر تأکید می‌شود. در واقع این واقعیت شیرین به‌درستی با شناسنامه هر سرزمین و مردمان آن عجین شده است. استفاده از نمادها و نشانه‌ها که از دیرباز همواره در فرهنگ اصیل معماری ایران دیده می‌شد، به تدریج با ظهور معماری مدرن و فراگیری شعار یکسانی و یکرنگی در سبک معماری جدید به فراموشی سپرده شد. متأسفانه معماری این عصر شاهد زوال و نابودی این نوع سبک معماری و از همه مهم‌تر فراموشی الگوی رمزگان نشانه‌شناسی است؛ از این روست که معماری کنونی با نمادهای اجتماعی، ادراکی، معنایی و منطقی بیگانه و ناآشناست. بی‌تردید چنین بستر مکانی که در بهترین حالت خود با نشانه‌های مشابه، بی‌هویت و عاریه‌ای آذین شده توانایی ثبت تصویر ذهنی، ماندگاری و جاودانگی در ذات انسانی و کسب مهارت‌های خاطره‌انگیز را نخواهد داشت. با بررسی روابط بین مقوله‌های عمده، شرایط زمینه‌ای و شرایط علی روشن می‌شود که برای پاسخگویی همه‌جانبه و اصولی به دستاوردهای کارکردی خاطره اعم از کارکرد عاطفی، کارکرد حکمی، کارکرد هنری یا زیبایی‌شناسی و

References

- Ayatollahi, M.H., (2001). *Performance testing (arising field theories in architecture) to metric the qualitative concepts*, in *School of Architecture*, Tehran: Shahid Beheshti University. (In Persian)
- Ansari M, Mahdavejrad M, Abedi M., (2012). The role of Historic and heritage Wealth in sustainable tourism development. *Asian Journal of Social Sciences and Humanities*;1(3). 170- 177. (In Persian)
- Bemaniyan, M.R., N. Qolami Rostam, and R. Hojjat Panah., (2010). Identification Elements in the Traditional Architecture of Iranian Houses "A Case Study of Yazd's Rasoulia House". *Studies of Islamic Art Studies Journal*; 7(13): p. 55-68. (In Persian)
- Bently, I., et al., (2007). *Responsive Environments*. 3rd Edition ed. Tehran: University of science and industry. (In Persian)
- Bulooki, S. and H. Okhovat., (2015). A Comparative Study of the Similarities and Distinctions of Muslim and Zoroastrian Houses in Yazd. *Studies of Islamic Iranian city Journal*; 6(22): p. 51-66. (In Persian)
- Caimi A, (2014). *Cultures constructives vernaculaires et résilience: entre savoir, pratique et technique: appréhender le vernaculaire en tant que génie du lieu et génie parasinistre* (Doctoral dissertation, Grenoble).
- Carmona M., 2006. *Public Places, Urban Spaces*. Architectural Press, Elsevier, Oxford.
- Charmaz K. (2008). *Grounded theory as an emergent method*. Handbook of emergent methods;155:172.
- Charitonidou M, (2018). *The relationship between interpretation and elaboration of architectural form: investigating the mutations of architecture's scope* (Doctoral dissertation, National Technical University of Athens (NTUA)).

- Creswell JW, Creswell JD. (2003). *Research design: Qualitative, quantitative, and mixed methods approaches*. Sage publications.
- Corbin J, Strauss A. (1998). *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory*. Sage publications; Tehran:Nashre Ney. (In Persian)
- Fatemi, S. and A. Khaki., (2004) *The story of our school education (a new reading from the Rasulian House)*, in *Faculty of Art and Architecture*. University of Yazd. (In Persian)
- Ferasatkah, M. (2016). *Qualitative research method in social sciences with emphasis on grounded theory (GTM Grounded Theory)*. (In Persian)
- Fisher D, Frey N., (2013). *Annotation: Noting evidence for later use*. *Principal Leadership*;13(6):49-52.
- Gehl J. (1986) .“*Soft edges*” in *residential streets*. *Scandinavian housing and planning research*. 1;3(2):89-102.
- GHaravi AM., (2008). Qualitative Evaluation of University Of Tehran Central Campus. *Fine Arts Journal*, 4: 75-84. (In Persian)
- Habibi M, (1999). Urban space, event yard and collective memories. *Journal of Scientific Research of Sofo*.;28:16-21. (In Persian)
- Koosheshgaran , A.A., (2003). *Architectural Education Programs: Recognizing the Achievements of Attending Yazd University Art Complex, Proceedings of the Second Architectural Education Conference: Challenges, Searching for Solutions*. Tehran: College of Fine Arts. p. 179-185. (In Persian)
- Mansourian, Y., (2007).*What is Grounded Theory and What Does It Use?*, in *Specialization of Information Science and Information Society Conference*. Isfahan: Isfahan Univercity. (In Persian)
- Mehrabi , A.H., et al., (2011). *The introduction of the methodology of the grounded theory of the foundation for Islamic research (providing an example)*. *Journal of Organizational Culture Management*, 23: p. 5-30. (In Persian)
- Mirjani , H., (2002). *Today's life, the body of yesterday, Review the formation of the Yazd School of Architecture in the old house of Rasulian*, in *College of Arts and Architecture*. Yazd university ,Iran. (In Persian)
- Mirvakili, M., (2007). *School - Yazd Art and Architecture Neighborhood: A Preliminary Strategic Idea* , in *College of Arts and Architecture* 2007, Yazd univercity. (In Persian)
- Mohajeri N, Qomi S., (2008). An Analytic Approach to Christopher Alexander Design Theories. *Journal of City identity*; 2(2):45-56. (In Persian)
- Mohit MA, Ibrahim M, Rashid YR., (2010). *Assessment of residential satisfaction in newly designed public low-cost housing in Kuala Lumpur, Malaysia*. *Habitat international*: 1;34(1):18-27.
- Noghsan Mohammadi , M.R. and M. Mirvakili., (2012). School - Yazd Art & Architecture Neighborhood Revitalization of "Sahel Bin Ali Neighborhood" Attended "Art and Architecture School". *Journal of Scientific Research of Sofo*; 58: p. 45-64. (In Persian)
- Pakzad J, Bozorg H, (2014). An introduction to environmental psychology for designers. Tehran, *Armanshahr*. (In Persian)
- Piravi Vanak M., (2010). *Phenomenology to MerleauPonty*. Abadan: Porsesh. (In Persian)
- Saldaña J. (2015). *The coding manual for qualitative researchers*. Sage. (In Persian)
- Selden L, (2005). On Grounded Theory-with some malice. *Journal of Documentation*. 1;61(1):114-29.
- Soleimani , M. and K. Mondegar., (2015). Recognition of Traditional Housing Yazd Principals in Responding to Basic Psychological Needs According to the Grounded Theory. *Fine Arts Journal: Architecture and Urbanism*; 4: p. 99-109. (In Persian)
- Tajbakhsh G, (2004). Walter Benjamin: A transformation of experience and memory in modern times and modern metropolis. *Fine Arts Journal*;30:5-16. (In Persian)
- Turner, P. and C. Velk., (2005). *Affordance as context , Interacting with Computers Scandinavian Housing and Planning Research*, 17: p. 787-800.
- Zokaei ,S., (2002). *Theory and methodology in qualitative research*. *Social Sciences Quarterly*, 9(17): p. 41-69.(In Persian)

www.ezapply.ir.

www.fa.wikipedia.org

www.iribnews.com

www.mehrnews.ir

www.mojnews.com

www.varchgroup.com